

فهم قرآن از دیدگاه امام خمینی

محمد علی تجری

عضو هیأت علمی دانشگاه قم

چکیده

در نظر امام خمینی، اخلاص، طهارت، ترتیل و تدبر از مهمترین شرایط فهم قرآن است و غرور علمی، گناه، جمود بر اقوال مفسران و تعصب بر رأی شخصی از بزرگترین موانع فهم قرآن به شمار می‌رود. به نظر او فهم کامل قرآن به معصومان علیهم‌السلام اختصاص دارد و البته سایر مردم به اندازه ظرفیت عقلی خود می‌توانند قرآن را بفهمند. در دیدگاه او قرآن به ظاهرش محدود نیست و از طریق آن باید به باطن قرآن رسید. او شیوه مطلوب تفسیر را عنایت به هدف هدایتی قرآن می‌داند.

کلید واژه‌ها: شرایط فهم قرآن، موانع فهم قرآن، مبانی فهم قرآن، روش

تفسیر.

۱. مقدمه

آیا قرآن برای همگان قابل فهم است یا فهم آن به امامان علیهم‌السلام اختصاص دارد؟ در صورت نخست آیا برای آن حد و مرزی وجود دارد؟ یا حد و مرزی وجود ندارد و همگان می‌توانند به فهم نهایی و جامع و کامل آن دست یابند؟ زمینه‌ها و بسترهای مناسب فهم و استفاده از قرآن کریم و موانع آن و شیوه مطلوب در تفسیر کدام است؟

اینها پرسشهایی است که پاسخ آن در این مقاله از دیدگاه امام خمینی بررسی می‌شود؛ ولی پیش از ورود به بحث یادآور می‌شویم که مقصود از فهم قرآن کریم، تنها درک معنای ظاهری آن نیست؛ بلکه مراد معنای عام و فراگیر آن است که علاوه بر درک معنای ظاهری، هر گونه برداشت و استفاده صحیح از قرآن را شامل می‌شود.

۲. شرایط فهم قرآن و بهره‌گیری از آن

مطلوب در خواندن قرآن، فهمیدن، عمل نمودن، رشد و تکامل یافتن است و به تعبیر امام راحل (ره) مطلوب در تلاوت قرآن شریف آن است که در قلب انسان تأثیر کند و باطن انسان صورت کلام الهی گردد و از مرتبه ملکه به مرتبه تحقق رسد. این مطلوب بدون رعایت آداب و شرایط ظاهری و باطنی تلاوت قرآن حاصل نمی‌گردد؛ از این رو بزرگان علم و معرفت از جمله امام خمینی (ره) با الهام از آیات قرآن کریم و بیانات پیشوایان دین، برای بهره‌مندی هرچه بهتر و بیشتر از این مائده آسمانی نکاتی را به طالبان فهم قرآن و جویندگان معارف قرآنی یادآور شده‌اند که عمده‌ترین آنها به اختصار چنین است:

- الف. پناهنده شدن به خدای سبحان از شر شیطان: وسوسه‌های شیطان خار طریق معرفت است و بدون پناه بردن حقیقی به حصن الوهیت از شر او ایمنی حاصل نشود [۱]. خداوند می‌فرماید: «فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم» [نحل ۹۸]؛ (هرگاه خواستی قرآن بخوانی از شیطان رانده شده، به خدا پناه بر).
 ب. اخلاص و پاک‌سازی نیت: این امر تأثیر در قلوب، نقش بنیادی داشته و بدون آن هیچ عملی را قیمتی نیست، بلکه ضایع، باطل و موجب سخط الهی است [۲].
 ج. طهارت ظاهر و باطن: در نگاه امام «ره» تا قذارات و کثافات عالم طبیعت در قلب هست؛ استفاده از قرآن شریف میسور نشود که: «انه لقرآن کریم لایمسه الا المطهرون» [واقع ۷۹-۷۷]؛ (آن قرآنی گرانمایه است که جز پاکان بر آن دست نسایند) [۳].

د. ترتیل: این قرائت که در نفس آدمی تأثیر می‌گذارد، عبارت است از: حد وسط

بین سرعت و تعجیل و تأنی و فتور مفرط [۴]. جنین قرائتی را ترتیل می‌خوانند؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «ورتل القرآن ترتیلاً» [مزل ۴]؛ (و قرآن را به آرامی بخوان).

ه بزرگداشت قرآن کریم: امام راحل تعظیم قرآن کریم را موجب نورانیت قلب و حیات باطن و از آداب مهم قرائت قرآن کریم می‌شمارد [۵].

تعظیم یک امر صوری نیست؛ بلکه عملی است مبتنی بر شناخت و درک واقعی عظمت قرآن و فرستنده آن و پیامبری که قرآن بر او نازل گشته است.

در عظمت این کتاب آسمانی همین بس که خدای بزرگ درباره آن فرمود:

«لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشية الله» [حشر ۲۱]؛ (اگر این قرآن را بر کوهی فرود می‌آوردیم، آن را از ترس خدا هموار و متلاشی می‌یافتی).

و. تفکر و تدبیر: اندیشیدن در معانی آیات شریفه و تفکر در چگونگی بیرون آمدن از مراتب ظلمات به عالم نور در پرتو نور آیات یکی دیگر از آداب و شرایط و بلکه از اعظم آدابی است که در شریعت مطهر به آن توصیه شده است [۶].

تفکر و اندیشیدن از اهداف فرو فرستادن قرآن بشمار رفته است [نحل ۴۴ و ص ۲۹] و امام علی علیه السلام نیز قرائت بدون تدبیر را بی فایده و فاقد خیر و خوبی می‌داند [۷].

از نظر امام «ره» با طرق استفاده از قرآن هموار می‌شود و ابوابی جدید برای انسان مفتوح می‌گردد و او معارفی نو از قرآن استفاده میکند [۸].

ز. عرضه یا تطبیق: مقصود از این آن است که شخص مفاد هر یک از آیات را با حال خود تطبیق کند و بدین وسیله کاستیهای خود را برطرف و امراض و بیماریهای خود را درمان نماید [۹].

نکته جالب توجه در این زمینه این است که از دیدگاه امام همان گونه که میزان در تشخیص صحت و عدم صحت روایات و اعتبار یا عدم اعتبار اخبار، عرضه آنها بر کتاب خداست و آنچه مخالف کتاب خدا باشد، باطل و زخرف است [۱۰]، میزان در تشخیص سعادت و شقاوت آدمی نیز عرضه اعتقادات، خلیقات و اعمال بر کلام خدا، قرآن است. هر آنچه موافق کتاب خدا باشد، مطلوب و موجب سعادت و آنچه مخالف آن باشد، باطل و مایه شقاوت است و باید کنار گذاشته شود [۱۱].

۳. موانع فهم قرآن

از دیدگاه امام خمینی و دیگر بزرگان صاحب بصیرت برای فهم و استفاده از قرآن کریم موانعی وجود دارد که طالب فهم قرآن و جویندگان معارف قرآنی باید این موانع را از میان بردارند. امام از این موانع به حجابهای بین مستفید و قرآن تعبیر می‌کند [۱۲]. اینک به برخی از آن موانع و حجابها اشاره می‌شود.

۳.۱. غرور علمی

از موانع و حجابهای بزرگ فهم قرآن، خودبینی است که موجب می‌گردد آدمی خود را از راهنماییهای قرآن بی‌نیاز بداند.

از نظر امام احساس بی‌نیازی از بهره‌گیری از این خوان نعمت الهی از این طریق به وجود می‌آید که شیطان کمالات موهوم را برای انسان جلوه دهد و او را به آنها راضی و قانع سازد و کمالات و مقامات واقعی را از چشم او ساقط کند. مثلاً اهل تجوید را به دانش تجوید دلخوش کند و علوم دیگر را در دید آنان ناچیز جلوه دهد [۱۳]؛ اصحاب ادب را به همان پوسته بی‌مغز راضی کند و تمام شؤون قرآن را در همان چیزی که آنان می‌دانند نمایش دهد؛ مفسران را به وجوه قرائات و آراء مختلف ارباب لغت و وقت نزول و شأن نزول و مدنی و مکی بودن و تعداد آیات و حروف و امثال آن سرگرم کند و اصولاً بحث و جدال در اطراف مفاهیم کلی و غور در جزئیات از موانع بزرگ سیر به سوی خداست که پیاده را از راه باز دارد و باید از میان برداشته شود [۱۴].

امام «ره» در این زمینه یادآور می‌شود که ممکن است «حجاب غلیظ اصطلاحات» حتی دامن فیلسوفان و حکیمان و عارفان را گرفته و آنان را در حصار خود محبوس نماید.

۳.۲. گناه و معصیت

از دیدگاه امام «ره» یکی دیگر از حجابها که مانع فهم قرآن شریف و استفاده از معارف و مواعظ این کتاب آسمانی می‌گردد، معاصی و کدورات و تاریکیهایی است که از طغیان و سرکشی نسبت به ساحت قدس پروردگار عالمیان پدید می‌آید [۱۵].

ناگفته نماند که این دیدگاه امام «ره» برخاسته از آیات و احادیث و موافق برهان عقلی و فلسفی است و در کلام عرفا و فلاسفه نیز آمده است.

قرآن کریم شرط فهم و بهره‌مندی از خود را به صراحت انابه و بازگشت به سوی خدا اعلام کرده است [ق ۸، مؤمن ۱۳] و روشن است که گناه و عصیان دقیقاً نقطهٔ مقابل انابه و بازگشت و قلب منیب نیز قطب مخالف قلب مذنب و مسیء است.

در احادیث و کلمات پیشوایان دین (علیهم‌السلام) نیز از گناه و معصیت به عنوان «نکتهٔ سودا» یا نقطهٔ تاریک در جان و روح او یاد و ترک برخی از واجبات موجب محروم شدن از برکت و وحی اعلام شده است [۱۶]. از نظر روایات قلبها آنگاه جایگاه حکمت خواهد بود که خواهشهای نفسانی آن را تیره نساخته باشد [۱۷].

فلاسفه و عرفا نیز در فلسفه و عرفان مطرح کرده‌اند که: هر عمل صالح یا سیئی همان گونه که در عالم ملکوت صورتی مناسب با خود دارد [۱۸]، در ملکوت نفس نیز اینگونه است؛ یعنی یا صورتی دارد که موجب نورانیت باطن می‌شود و قلب بواسطهٔ آن مطهر و منور و شایسته تجلیات غیبی و ظهور حقایق و معارف الهی می‌گردد و یا صورتی ظلمانی و پلید و چون آینه زنگار زده دارد؛ بطوری که معارف الهی و حقایق غیبی در آن منعکس نمی‌شود. [۱۹].

فیض کاشانی می‌گوید: «خواهش‌های نفسانی بزرگترین حجاب دل است و بسیاری در این حجاب بسر می‌برند. هر قدر خواهشهای نفسانی انباشته‌تر باشد، «معانی کلام خدا نیز بیشتر در حجاب است» [۲۰].

همین جا باید متذکر شویم: از بزرگترین گناهان قلبی که پرده‌ای ضخیم بین انسان و فهم درست معارف و حقایق می‌افکنند، حب دنیا است که به تعبیر روایت ریشهٔ هر خطاست [۲۱].

امام می‌فرماید: «کسی که بخواهد از معارف قرآن استفاده کند و از مواظب الهیه بهره‌بردارد، باید قلب را از این ارجاس (حب دنیا و حب جاه) تطهیر کند و لوث معاصی قلبیه را که اشتغال به غیر است از دل بزدايد؛ زیرا که غیر مطهر محرم این اسرار نیست، قال تعالی «أَنه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا

المطهرون»^(۱) [واقعہ ۷۷-۷۹]. چنانکہ از ظاہر این کتاب و مس آن در عالم ظاہر، غیر مطہر ظاہری، ممنوع است تشریحاً و تکلیفاً، از معارف و مواعظ آن و سر آن ممنوع است کسی کہ قلبش ملوث بہ ارجاس تعلقات دنیویہ است» [۲۲].

۳.۳. جمود بر اقوال مفسران

چنانچہ طالب فہم قرآن تصور کند، جز آنچه را کہ مفسران نوشتہ یا فہمیدہ اند، دیگری را حق استفادہ از قرآن و درک بیشتر و برتر آن نیست، دچار خطایی بزرگ شدہ است و بی گمان این پندار غلط سدی را میان او و فہم قرآن ایجاد خواہد نمود. مفسر نیز در صورتی می تواند در اقیانوس ژرف و بیکران کلام الہی غواصی کند و از آن گوہرہای ناب بہ چنگ آورد کہ از جمود بر گفتہہای مفسران و منحصر ساختن فہم قرآن بہ بزرگان و پیشینیان پرهیزد و درک و برداشت بیشتر، برتر و نورانیتر بہ رعایت موازین برای خود و ہر مفسر و جویندہ دیگر ممکن بدانند.

جمود و بسندہ نمودن بہ افکار و آراء پیشینیان در زمینہ فہم و تفسیر قرآن کریم بہ ہر دلیلی کہ صورت گیرد، خواہ بہ دلیل برداشت نادرست از مفہوم تفسیر بہ رأی یا بخاطر ضعف نفس و نداشتن شہامت و حریت علمی و یا بہ ہر دلیلی دیگر، علاوہ بر آن کہ انحطاط آور و عقلاً مردود است، بر خلاف آموزہہای دینی نیز تلقی می شود. قرآن ہمگان را بہ تدبیر و تفکر در آیاتش فرا خوانندہ است [محمد، ۲۴ و نساء، ۸۴] و پیشوایان دین، قرآن را گنجینہہا و سرچشمہہای دانش دانستہ اند [۲۳] و صاحبان نظر و بصیرت را بہ گشودن دیدگان و بہ جولان در آوردن اندیشہ در معانی آیات قرآن سفارش کردہ اند [۲۴].

۳.۴. تعصب و دلہستگی بہ رای و مذہبی فاسد

آراء و مذاہب باطل کہ افراد بہ ہر دلیلی، از روی سوء اندیشہ یا تقلید کورکورانہ و یا

۱. آن قرآنی گرانمایہ است؛ در نوشتہای پنهان شدہ. بر آن جز پاکان دست نسابند.

علل دیگر برمی‌گزینند و بدان گرایش می‌یابند، از اموری است که آنان را از معارف قرآن محجوب می‌سازد.

امام می‌فرماید: «اگر اعتقاد فاسدی به مجرد استماع از پدر و مادر یا بعضی از جهله از اهل منبر در دل ما راسخ شده باشد، این عقیده حاجب شود مابین ما و آیات شریفه الهیه، و اگر هزاران آیه و روایت وارد شود که مخالف آن باشد، یا از ظاهرش مصروف کنیم و یا به آن به نظر فهم نظر نکنیم» [۲۵].

بنابراین بر جویندگان حقایق قرآن لازم است که از اعتقادات و گرایشهای موروثی تعصب آلود که مبتنی بر منطق و عقل نیست، بپرهیزند و با فکری پیراسته از این گونه تعلقات به فهم قرآن رو آورند.

۴. مبانی تفسیری امام

تفسیر قرآن کریم براساس مبانی و اصولی صورت می‌پذیرد که در اینجا به برخی از مهمترین آنها از دیدگاه امام خمینی پرداخته می‌شود.

۴.۱. اختصاص فهم کامل قرآن به معصوم

از نظر امام (ره) علم به همه حقایق و معارف قرآن کریم جز برای پیامبر ﷺ و پس از او وارثان علم وی یعنی ائمه اهل البیت علیهم السلام امکان ندارد.

این بینش امام گذشته از آن که منبای روایی دارد [۲۶]، با تأملات عقلی و تجارب عرفانی نیز قابل تأیید است؛ با این توضیح که حقایق و علوم نهفته در کلام الهی نامحدود است:

«قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفذ كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا»^(۱) [کهف ۱۰۹] او بشر محدود را توان آن نیست که بر خدای نامحدود احاطه یابد؛ مگر آن که از محدودیت خارج شود و خود نیز نامحدود گردد.

۱. بگو اگر دریا برای [نوشتن] کلمات پروردگار مرکب شود، دریا پایان بگیرد، پیش از آنکه کلمات پروردگار پایان یابد؛ اگرچه همانند آن را به کمک بیاوریم.

در نگاه امام «ره» مصداق این انسان نامحدود پیامبر و امام معصوم است که در اثر اتصال به کمال مطلق و فناء در مبدأ نامحدود، در همه صفات نامحدود گردیده‌اند و لذا می‌توانند به علوم و حقایق قرآن بطور کامل احاطه یابند و از کتاب الهی آن گونه که باید و شاید بهره گیرند. ولی بهره دیگران از قرآن برحسب مراتب وجود و کمال محدود آنان، محدود است.

امام در فرازی از بیانات خود می‌فرماید: «این حقیقت [قرآن کریم] برای احدی حاصل نشود به علوم رسمیه و نه به معارف قلبیه و نه به مکاشفه غیبیه مگر به مکاشفه تامه الهیه برای ذات مبارک نبی ختمی ﷺ در محفل انس «قاب قوسین» بلکه در خلوتگاه سز مقام «او ادنی» و دست آمال عائله بشریت از آن کوتاه است، مگر خلص از اولیاء الله که به حسب انوار معنویه و حقایق الهیه با روحانیت آن ذات مقدس مشترک و به واسطه تبعیت تامه فانی در آن حضرت شدند که علوم مکاشفه را بالوراثه از آن حضرت تلقی کنند...» [۲۷].

در جای دیگر می‌گوید: «آن استفاده‌ای که باید (از قرآن نمی‌شود). آن استفاده را به حسب «انما يعرف القرآن من خوطب به»^(۱) خود رسول الله می‌برد» [۲۸].

۴.۲. امکان فهم محدود برای همگان

دومین اصلی که از بیانات امام «ره» برداشت می‌شود، این است که استفاده از قرآن کریم برای همگان به فراخور حال خویش میسر است.

امام همچون برخی از اخباریان نمی‌اندیشد که باب فهم قرآن را به روی غیر معصوم ببندد و فکر و عقل و اندیشه بشری را در این زمینه بی‌اعتبار بشمارد.

در اندیشه امام «ره» اساساً انگیزه نزول این کتاب مقدس و بعثت نبی اکرم ﷺ آن است که این کتاب در دسترس همگان قرار گیرد و همه به اندازه گنجایش فکر خود از آن استفاده کنند [۲۹].

۱. قرآن را تنها مخاطبانش می‌فهمند.

شایان ذکر است که عالمان از فقیهان و محدثان گرفته تا فیلسوفان و عارفان، گاه از آیات قرآن به فراخور فکر و دانش خود، برداشتهای مختلف و حتی گاه متباین دارند. نکته جالب توجه اینکه امام «ره» هر یک از آن برداشتها را در جای خود درست و قابل قبول می‌داند [۳۰] و از صحنه‌گذاری مفسران بر مشرب تفسیری خود و تخطئه مشربهای دیگران انتقاد می‌کند.

به نظر می‌رسد، راز آن این باشد که فهم قرآن دارای مراتب طولی است و هر عالمی ممکن است، تنها به مرتبه‌ای از آن دست یافته باشد.

۴.۳. جمع‌بین ظاهر و باطن

یکی از دیگر اصول تفسیر در اندیشه امام آن است که درک و فهم قرآن کریم مراتب و مرحله‌ای دارد که از ظاهر شروع می‌شود و تا آخرین مرتبه باطن آن پیش می‌رود. از نظر ایشان تصور این که این کتاب آسمانی، همین قشر و صورت است ظاهر گرایانه و ابلیسانه است و ماندن در حد صورت و توقف در مرحله ظاهر و حرکت نکردن به سوی لب و باطن ریشه تمام جهالتها و پایه انکار نبوتها و ولایتهاست [۳۱]. شایان ذکر است که ابلیس نخستین کسی بود که تنها ظاهر و صورت [= طین] را دید و در ورای آن، مقام روحانی و نورانی و خلیفه الهی آدم علیه السلام را ندید. از این روی در مقام اعتراض به پروردگار برآمد و گفت: «من از او بهترم. من را از آتش و او را از گل آفریدی» [ص ۶۷] و نیز مردمانی که نبوت را انکار کردند و از پذیرش انبیاء الهی سر بر تافتند، تنها به ظاهر نگریستند و نتوانستند یا نخواستند ژرف نگر باشند و ارتباط ویژه باطنی و معنوی پیامبران با مبدأ هستی را بپذیرند و لذا اظهار می‌داشتند: «این چه پیامبری است که همچون دیگران غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود» [فرقان ۷] و یا خطاب به پیامبر می‌گفتند: «شما جز بشری مانند ما نیستید، و خدای رحمان هیچ چیزی نازل نکرده است» [یس ۱۵].

به هر حال از قشری‌گری و ماندن در ظاهر و عدم گذر به باطن و عمق، مذاهب و مکاتب چندی چون اخباری‌گری، ظاهریه، اشاعره، مجسمه و سلفیه سر بر آوردند.

شایان گفتن است که گذر از ظاهر به باطن و عبور از پوست به مغز همان علم به تأویل است که به نظر امام علم به تمام مراتب آن مخصوص پیامبر اسلام ﷺ و ائمه است؛ لکن علم به مراتب و مراحل از آن برای غیر معصوم نیز ممکن است. البته امام راحل، شرط حصول این علم و نائل شدن به مراتبی از آن را مجاهدت علمی، تمرینهای عقلی همراه با ریاضتهای عملی و تطهیر نفس و تنزیه قلب و تقدیس روح می‌داند [۳۲] و معتقد است هر قدر انسان از پاکی و وارستگی بیشتری برخوردار باشد، بهره‌اش از حقایق قرآن بیشتر و تجلی قرآن بر او فزون‌تر است [۳۳].

آنچه امام «ره» فرموده و جویندگان حقایق قرآنی را به آن فرا خوانده‌اند [۳۴]، با تأویلهای و برداشتهای بی‌ضابطه‌ای که توسط متصوفه و باطنیه از آیات قرآن کریم صورت می‌گیرد، تفاوت اساسی دارد. آنان اصولاً ظواهر آیات را نادیده می‌گیرند و کنار می‌نهند و ذوقیات، اندیشه‌ها و دیدگاههای ویژه خود را به نام «علم به باطن قرآن» عرضه می‌کنند. همان چیزی که تفسیر به رأی خوانده می‌شود و در روایات فریقین شدیداً از آن نکوهش و منع شده است [۳۵].

امام در فهم قرآن، باطن منهای ظاهر را قبول ندارند؛ همان‌گونه که ظاهر بدون باطن را نمی‌پسندند. ایشان به صراحت اعلام می‌دارد: همان‌گونه که ظاهر بدون باطن همانند جسد بدون روح و دنیای بدون آخرت است، رسیدن به فهم باطنی آیات نیز جز از طریق ظاهر و با حفظ آن میسر نمی‌گردد و هر کس بدون توجه به ظاهر آیات، راه باطن را در پیش گیرد، هم خود گمراه شده است و هم دیگران را به گمراهی و بیراهه کشانده است [۳۶].

۵- شیوه صحیح تفسیر

از دیدگاه امام «ره» تفسیر قرآن کریم کار آسانی نیست که از عهده هر کس برآید [۳۷] و این صحیفه الهی برتر از آن است که مفسران بتوانند آن را چنانکه باید تفسیر کنند [۳۸] و مفسران طراز اول جهان اسلام اعم از خاصه و عامه که در طول تاریخ اسلام تفاسیر فراوانی نوشته‌اند، تنها پرده‌ای از معانی قرآن کریم را به نمایش گذاشته‌اند و

شبهی از این کتاب آسمانی را نشان داده‌اند [۳۹].

وی ضمن ارج‌گزاری بر تلاشهای مفسران و خوب توصیف نمودن برخی از آنها به صراحت اعلام می‌دارد که: «قرآن عبارت از آن نیست که آنها نوشته‌اند» [۴۰] و معتقد است، «این تفسیرهایی که بر قرآن نوشته شده است از اول تا حالا، اینها تفسیر قرآن نیستند. اینها البته یک ترجمه‌هایی؛ یک بویی از قرآن بعضی‌شان دارند و الا تفسیر این نیست که اینها نوشته‌اند» [۴۱].

این نظریه امام از یک سو مبتنی است بر عظمت قرآن که کلام خالق و اقیانوسی ژرف و ناپیدا کرانه و فراتر از افق فکر و درک بشری است [۴۲] و از سوی دیگر مبتنی است بر این مطلب که مفسران - با آن که زحمتهای فراوانی را متحمل شده‌اند و مساعی آنان قابل تقدیر و تجلیل است - اغلب در تفسیر قرآن به مقصد اصلی نزول توجه شایسته و بایسته نکرده‌اند.

بسیاری از مفسران در تفسیر خود به جنبه‌های ادبی یا بلاغی یا تاریخی و... پرداخته‌اند. گویا که تفسیر آنان، یک کتاب ادبی یا بلاغی یا تاریخی است و در واقع بجای پرداختن و توجه تام به هدف اصلی، بیشتر به اهداف فرعی توجه نموده‌اند؛ در حالی که از نظر امام «ره» مقصد این کتاب آسمانی نه بلاغت و فصاحت است و نه صرف و نحو و نه تاریخ و نه امثال این امور. شیوه مطلوب تفسیر، این نیست که همچون سکاکی و شیخ طوسی در لابلای آیه‌های قرآن به دنبال کشف و تبیین جنبه‌های فصاحت و بلاغت و محسنات لفظی و معنوی بود و یا همانند سیبویه و خلیل به تبیین تصاریف کلمات و دستور زبان آن همت گمارد و یا مانند مسعودی و ابن خلکان به شرح و بسط وقایع و بیان جزئیات حوادث تاریخی پرداخت.

امام از مفسرانی که استفاده از قرآن را منحصر به ضبط و جمع اختلاف قرائات و معانی لغات و تصاریف کلمات و محسنات لفظی و معنوی و وجوه اعجاز قرآن و معانی عرفی می‌دانند و از دعوات قرآن و جهات روحی و معارف الهی آن غافلند، به شدت انتقاد کرده است [۴۳].

بعلاوه از یکسو نگری در تفسیر قرآن گله و شکوه دارد و از تفسیر نگاران یک سو

نگر که قرآن کریم را تنها بر پایه تخصص ویژه و مشرب خاص خویش تفسیر نموده و به تخطئه مشربهای دیگران پرداخته‌اند، خرده می‌گیرد [۴۴].

در منظر امام خمینی، مفسر واقعی کسی است که «مقصد نزول» را بفهماند؛ نه سبب نزول را [۴۵].

۶. اهداف و مقاصد قرآن

از آنجا که هر صاحب اثری مقصد خود را در اثر خود بهتر از دیگران می‌داند، خدای تعالی که صاحب این اثر یعنی قرآن کریم است، هدف خود را از فرو فرستادن آن بهتر از دیگران آگاه است.

امام معتقد است که باید هدف از تنزیل کتاب الهی را - قطع نظر از راه عقل و برهان - از خود قرآن دریافت [۴۶]. با توجه به آیات شریفه هدف از نزول قرآن کریم هدایت و تربیت، شفای امراض قلبی انسان و سیر او به سوی خداست [۴۷].

امام «ره» قرآن را درسنامه سلوک الی الله و یکتا کتاب تهذیب نفوس و بزرگترین وسیله ارتباط خالق و خلق و عروة الوثقی و حبل المتین تمسک به عز ربوبیت می‌شمارد [۴۸] و آن را کتابی می‌خواند که به شئون الهیه دعوت می‌کند؛ لذا شیوه مفسر باید به گونه‌ای باشد که شئون الهیه را به مردم تعلیم دهد [۴۹].

قرآن کریم در نگاه امام «ره» کتاب معرفت، اخلاق، و دعوت به سعادت و کمال است؛ از این رو کتاب تفسیر نیز باید عرفانی، اخلاقی و بیان کننده دیگر جهات دعوت به سعادت باشد [۵۰].

از نظر امام خمینی (ره) مفسری که به این شیوه قرآن را تفسیر نکند، مقصود قرآن و منظور اصلی انزال کتب و ارسال رسل را نادیده گرفته و مردم را از استفاده از قرآن محروم و راه هدایت را بروی آنان مسدود کرده است [۵۱].

او به مفسران قرآن چنین سفارش می‌کند: «علماء و مفسرین، تفاسیر فارسی و عربی بنویسند و مقصود آنها بیان تعالیم و دستورات عرفانی و اخلاقی و بیان کیفیت ربط مخلوق به خالق و بیان هجرت از دارالغرور به دارالسرور و الخلود باشد؛ بطوری

که در این کتاب شریف به ودیعت گذاشته شده چه خسارتی بالاتر از این که سی
چهل سال کتاب الهی را قرائت کنیم و به تفاسیر رجوع کنیم و از مقاصد آن باز
مانیم» [۵۲].

منابع

۱. خمینی (امام)؛ آداب الصلوة، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۲۱.
۲. همو؛ چهل حدیث، ص ۵۰۰.
۳. همو؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۰۵.
۴. همان ۵۰۴.
۵. همو؛ آداب الصلوة، ص ۱۸۱.
۶. همو؛ چهل حدیث، ص ۵۰.
۷. همو؛ آداب الصلوة، ص ۲۱۲ و فیض کاشانی، ملاحظه؛ المحجبة البيضاء، ج ۲، قم دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، ج، ص .
۸. همو؛ آداب الصلوة، ص ۲۰۵.
۹. همان ۲۰۶.
۱۰. حر عاملی؛ وسائل الشیعه، بی جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱۱، ص ۷۹-۷۸.
۱۱. خمینی (امام)؛ آداب الصلوة، ص ۲۰۸.
۱۲. همان ۱۹۷-۱۹۵ و فیض کاشانی، پیشین ۲/۲۴۱ و نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادات، ج ۳، تهران، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۳ ق، ج ۳، ص ۳۷۴.
۱۳. ر.ک: فیض کاشانی، پیشین ۲/۲۴۱.
۱۴. ر.ک. خمینی (امام)؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۸ و ۶۲.
۱۵. همو؛ آداب الصلوة، ص ۲۰۱.
۱۶. فیض کاشانی؛ پیشین ۲/۲۴۲.
۱۷. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، ط اول، ۱۳۶۳ هـ ش
۱۸. ر.ک: شیرازی، صدرالدین، الشواهد الربوبیه، بی جا، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶ ش، ص ۳۲۹.
۱۹. خمینی (امام)؛ پیشین ۲۰ و فیض کاشانی؛ پیشین ۲/۲۴۲.
۲۰. فیض کاشانی؛ پیشین.

۲۱. کلینی: اصول کافی، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۶۰۹.
۲۲. خمینی (امام)؛ پیشین ۲۰۲.
۲۳. کلینی، پیشین، ص ۶۰۹.
۲۴. همان ۶۰۰.
۲۵. خمینی (امام)؛ پیشین ۱۹۷-۱۹۶.
۲۶. کلینی؛ پیشین ۲۲۸/۱.
۲۷. خمینی (امام)؛ تفسیر سورة حمد، ص ۱۲۸.
۲۸. همو؛ آداب الصلوة، ص ۱۸۱.
۲۹. همو؛ صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۵۲.
۳۰. همو؛ آداب الصلوة، ص ۱۸۵.
۳۱. همو؛ شرح دعای سحر، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۹.
۳۲. همو؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۶۱.
۳۳. همو؛ شرح دعای سحر، ص ۵۹.
۳۴. به عنوان نمونه رک: شرح دعاء السحر ص ۶۱.
۳۵. مجلسی، بحار ج ۹۲ ص ۱۱۲-۱۱۱، حکیمی، الحیة ۲ ص ۱۳، بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۱۸-۱۹، عیاشی التفسیر، ج ۱ ص ۱۷، قرطبی الجامع لاحکام القرآن، ج ۱ ص ۲۷.
۳۶. رک: خمینی (امام)، شرح دعاء السحر، ص ۶۲-۶۱، نیز همو، آداب الصلوة، ص ۲۹۱.
۳۷. همو؛ تفسیر سورة حمد، ص ۹۳.
۳۸. همان، ص ۹۵.
۳۹. همان و صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۵۱.
۴۰. همو؛ صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۷.
۴۱. همو؛ صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۷.
۴۲. همو؛ آداب الصلوة، ص ۱۸۲.
۴۳. همان و ۱۷۱ و ۱۹۴ و شرح حدیث جنود عقل و جهل ص ۱۱.
۴۴. همو؛ صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۳۵.
۴۵. همو؛ آداب الصلوة ۱۹۲-۱۹۳.
۴۶. همان ۱۹۳.
۴۷. همان ۱۸۴.
۴۸. همان ۱۹۴.
۴۹. همان.
۵۰. همان ۱۹۲.
۵۱. همان ۱۹۴.
۵۲. همان.